

<span></span>
<b>کارزارش</b>
<b>نیره ساری</b>
<p><b>وکیل!</b> همان گونه که از معنی لغوی اش برداشت می‌شود، نایب موکل است اما در چار چوب قانون، وظیفه وکیل دادگستری این</p>

است که از حقوق قانونی موکل دفاع کند و جلوی تجاوز به آن را خواه از طرف دیگر دعوا باشد و خواه از طرف مقامات و مأموران بگیرد. آنچه وکیل از آن دفاع می‌کند، قانون است که ممکن بوده شکلی باشد یا ماهیتی. این که قانون منطقی است یا غیرمنطقی، خوب است یا بد، عادلانه است یا ظالمانه، اثری در وظیفه وکیل ندارد.ا آنها از قانون و اجرای درست آن دفاع می‌کنند، با این فرض که با کار خود از تجاوز به حقی جلوگیری می‌کنند یا حقی را به حق دار می‌رسانند، اما سؤال این است که اگر وکیل همیشه و همه

وکیل در حال دفاع از موکل در دادگاه

قوانین و مقررات و قواعد حقوقی، حقوق و تکالیفی برای اشخاص تعیین کرده‌اند که گاهی به دلایل مختلف مورد سوء تفاهم واقع می‌شوند و خواسته یا ناخواسته حد و حدود آنها گرفتار بگویموگ و اصطکاک می‌شود که حل و فصل آنها به دادگستری می‌کند. «اجرای عدالت» موضوعی است که در نگاه عموم مردم بر عهده دادرسان و قضات دستگاه قضایی است اما این در حالی است که وظیفه مهم- و مؤثری بر عهده وکلای

وکیل در حال دفاع از موکل در دادگاه

**شمسیان: برخی از وکلای محورو معیار خود را حق الوکاله قرار می‌دهند نه حق و قانون و انسانیت لذا در خدمت صاحبان قدرت و ثروت قرار گرفته و به جای شخصیت حقوقی ابزار دست دیگران می‌شوند**

دادگستری نیز در این راستا وجود دارد که به موجب قوانین، تعاون و همکاری با قضات برای تأمین همه‌جانبه عدالت در جامعه را فراهم می‌کنند. در اصل باید گفت وکیل در مسند قضاوت نیست بلکه این رئیس دادگاه یا قاضی و قضات محکمه هستند که حق را از باطل تشخیص می‌دهند و حکم صادر می‌کنند اما اینکه وکیل چگونه به این دادرسی کمک می‌کنند همان موضوعی است که در این گزارش به آن پرداخته شده و در ادامه خواهید خواند.

**■ وکالت و انواع آن**

قانون مدنی ایران در ماده ۶۵۶ وکالت را چنین تعریف کرده است: «وکالت عقدی است که به موجب آن، یکی از طرفین طرف دیگر را بر انجام امری نایب خود قرار می‌دهد.» البته وکالت را در لغت می‌توان واگذار کردن یا تفویض کردن نیز تعریف کرد اما در اصطلاح حقوقی، همان چیزی است که در ماده ۶۵۶ ذکر شد. در یک کلام، وکالت از عقود بسیار رایج است که امروزه در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی و بانک‌ها استفاده فراوانی دارد.

در یک تقسیم‌بندی وکالت به دو دسته مطلق و مقید تقسیم می‌شود. منظور از وکالت مطلق این است که شخصی را برای تمامی امور وکیل کنند و این انواع وکالت شامل امور اداری و مالی موکل

وکالت در امور حقوقی

**■ حسین شمسیان** دیگر استاد حقوق و از وکلای رسمی در گفت‌وگو با «روزنامه جوان» بیان می‌دارد: اغلب مردم نسبت به قوانین، حقوق و تکالیف خود بی‌اطلاع هستند، از همین رو در احقاق خود نتوان و دچار مشکل می‌شوند.تبدیل زبان یک دادخواه به قانون و زبانی که برای قاضی قابل فهم باشد دشوار است، موضوع وقتی دشوارتر می‌شود که داد خود را از کسی بخواهد که قانوندان و قانون‌شکن باشد و خود در مسیری که تعدی به مال و حق وی کرده است از دانش حقوقی یا مستقیم یا با واسطه استفاده کند.اینجا نقش وکیل و پرورنگ و برجسته‌تر می‌شود.

وی در توضیح تکمیلی می‌گوید: کسانی که صادقانه و خالصانه در امر وکالت وارد می‌شوند، زبان مردم را به زبان قانون ترجمه می‌کنند و پروسه عدالت‌خواهی به نفع مردم، به نفع روند دادرسی و بهبود اوضاع عمومی جامعه هدایت می‌کنند.

شمسیان در تبیین هدف وکلاز میان گزینه‌هایی چون جامعه، موکل، عدالت و قاضی، بهترین گزینه را عدالت می‌داند و توضیح می‌دهد: در بسیاری موارد افراد حقی ندارند اما وکیل انتخاب می‌کنند، طبیعتاً اگر این وکیل منصف و پاینده به شرع باشد، باید از قبول آن خودداری کرد. شمسیان به آن پاسخ می‌دهد، درباره چرایی دفاع وکلاز از افرادی است که خود تخطی از قانون کرده‌اند. وی علت این موضوع را تلخ توصیف کرده و می‌گوید: برخی از وکلا محورو معیار خود را حق الوکاله قرار می‌دهند نه حق و قانون و انسانیت لذا در خدمت صاحبان قدرت و ثروت قرار گرفته و به جای شخصیت برجسته حقوقی ابزار دست دیگران می‌شوند. این استاد حقوقی در ادامه هر پرونده‌ای را قابل دفاع نمی‌داند و توضیح می‌دهد: برخی همکاران ما عبرتی دارند به عنوان «مردেশور»، معتقد هستند ما دفاع می‌کنیم و قاضی رأی می‌دهد، اینها می‌خواهند وجدان خود را آرام کنند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: اگر کسی باطلی را نزد من حق جلوه داد که به واسطه آن جلوه‌گرای شخص، رفتاری را انجام دادم، او و صاحب‌اورا در آتش می‌اندازند. لذا اگر وکیلی منصف باشد هر پرونده‌ای را قبول نمی‌کند و مدافع نافع نمی‌شود و مدافع حق می‌شود.

## حقوق

سرویس اجتماعی **۹** ۸۸۹۸۴۴۰۰

وکیل در حال دفاع از موکل در دادگاه

جاز از قانون و اجرای درست آن دفاع می‌کند، قانون‌شکنان و خاطیان برای چه به او مراجعه می‌کنند و از او کمک می‌طلبند؟ آن هم کسانی که تمام هوش و حواس خود را به کار برده‌اند تا حقی را پایمال کنند، حیثیتی را لکه‌دار نمایند یا زندگی را از انسانی بگیرند و دست آخر هم از چنگ قانون بگریزند. گروه حقوقی روزنامه «جوان» در گفت‌وگو با وکلا و اساتید حقوق، چرایی حضور وکیل در دعاوی را مورد بررسی قرار داده است. این افراد معتقد هستند

وکیل مدافع عدالت است. **پولی بودن وکلا** بخش دیگری از مفاد گفت‌وگویی ما با وکلا و اساتید حقوقی است. کسانی که می‌گویند اگر وکیلی منصف باشد، هر پرونده‌ای را قبول نمی‌کند و مدافع نافع نمی‌شود. اما آیا به راستی در عمل این چنین است؟!

وکیل در حال دفاع از موکل در دادگاه

# وکیل عصای عدالت

وکیل در حال دفاع از موکل در دادگاه

وکیل در حال دفاع از موکل در دادگاه

**گروه حقوقی روزنامه «جوان» در گفت‌وگو با وکلا و اساتید حقوق چرایی حضور وکیل در دعاوی حقوقی را مورد بررسی قرار داده است**

در دعاوی کیفری دفاع وکیل با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات و نظر به لزوم شخصی بودن مجازات‌ها از شخص متهم به ارتکاب جرم است نه خود «جرم». به عبارت دیگر وکیل از متهم به مستقیماً در سرنوشت موکل که ممکن است حقوقی و یا کیفری باشد، مرتب گشته و تأثیر گذار است. وکیل مدافع در چار چوب قانون، از حق دفاع می‌کند و طبق وظایف شغلی خود حق دارد از موکل خود دفاع کند.

**■ وظیفه وکیل**

در دعاوی کیفری دفاع وکیل با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات و نظر به لزوم شخصی بودن مجازات‌ها از شخص متهم به ارتکاب جرم است نه خود «جرم». به عبارت دیگر وکیل از متهم به مستقیماً در سرنوشت موکل که ممکن است حقوقی و یا کیفری باشد، مرتب گشته و تأثیر گذار است. وکیل مدافع در چار چوب قانون، از حق دفاع می‌کند و طبق وظایف شغلی خود حق دارد از موکل خود دفاع کند.

در عاوی کیفری دفاع وکیل با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات و نظر به لزوم شخصی بودن مجازات‌ها از شخص متهم به ارتکاب جرم است نه خود «جرم». به عبارت دیگر وکیل از متهم به مستقیماً در سرنوشت موکل که ممکن است حقوقی و یا کیفری باشد، مرتب گشته و تأثیر گذار است. وکیل مدافع در چار چوب قانون، از حق دفاع می‌کند و طبق وظایف شغلی خود حق دارد از موکل خود دفاع کند.

در دعاوی کیفری دفاع وکیل با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات و نظر به لزوم شخصی بودن مجازات‌ها از شخص متهم به ارتکاب جرم است نه خود «جرم». به عبارت دیگر وکیل از متهم به مستقیماً در سرنوشت موکل که ممکن است حقوقی و یا کیفری باشد، مرتب گشته و تأثیر گذار است. وکیل مدافع در چار چوب قانون، از حق دفاع می‌کند و طبق وظایف شغلی خود حق دارد از موکل خود دفاع کند.

در عاوی کیفری دفاع وکیل با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات و نظر به لزوم شخصی بودن مجازات‌ها از شخص متهم به ارتکاب جرم است نه خود «جرم». به عبارت دیگر وکیل از متهم به مستقیماً در سرنوشت موکل که ممکن است حقوقی و یا کیفری باشد، مرتب گشته و تأثیر گذار است. وکیل مدافع در چار چوب قانون، از حق دفاع می‌کند و طبق وظایف شغلی خود حق دارد از موکل خود دفاع کند.

در عاوی کیفری دفاع وکیل با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات و نظر به لزوم شخصی بودن مجازات‌ها از شخص متهم به ارتکاب جرم است نه خود «جرم». به عبارت دیگر وکیل از متهم به مستقیماً در سرنوشت موکل که ممکن است حقوقی و یا کیفری باشد، مرتب گشته و تأثیر گذار است. وکیل مدافع در چار چوب قانون، از حق دفاع می‌کند و طبق وظایف شغلی خود حق دارد از موکل خود دفاع کند.

در عاوی کیفری دفاع وکیل با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات و نظر به لزوم شخصی بودن مجازات‌ها از شخص متهم به ارتکاب جرم است نه خود «جرم». به عبارت دیگر وکیل از متهم به مستقیماً در سرنوشت موکل که ممکن است حقوقی و یا کیفری باشد، مرتب گشته و تأثیر گذار است. وکیل مدافع در چار چوب قانون، از حق دفاع می‌کند و طبق وظایف شغلی خود حق دارد از موکل خود دفاع کند.

## حقوق

سرویس اجتماعی **۹** ۸۸۹۸۴۴۰۰

جاز از قانون و اجرای درست آن دفاع می‌کند، قانون‌شکنان و خاطیان برای چه به او مراجعه می‌کنند و از او کمک می‌طلبند؟ آن هم کسانی که تمام هوش و حواس خود را به کار برده‌اند تا حقی را پایمال کنند، حیثیتی را لکه‌دار نمایند یا زندگی را از انسانی بگیرند و دست آخر هم از چنگ قانون بگریزند. گروه حقوقی روزنامه «جوان» در گفت‌وگو با وکلا و اساتید حقوق، چرایی حضور وکیل در دعاوی را مورد بررسی قرار داده است. این افراد معتقد هستند

وکیل مدافع عدالت است. **پولی بودن وکلا** بخش دیگری از مفاد گفت‌وگویی ما با وکلا و اساتید حقوقی است. کسانی که می‌گویند اگر وکیلی منصف باشد، هر پرونده‌ای را قبول نمی‌کند و مدافع نافع نمی‌شود. اما آیا به راستی در عمل این چنین است؟!

وکیل در حال دفاع از موکل در دادگاه

صغر، جنون یا وجود حالت اجبار و اکراه، اعلام و تبیین وجود عوامل منفی‌کننده مجازات، تبیین موارد تخفیف، مناقشه در اصل وجود یا میزان اعتبار ادله اثباتی، تقاضای تعیین اجرای مجازات و…

**■ انقضای وکالت**

اولاً اینکه تعهد وکیل دادگستری به وسیله است نه به نتیجه، یعنی وکیل تمام تلاش خود را جهت رسیدن به نتیجه دلخواه موکل خود مبذول می‌دارد اما حصول نتیجه در اختیار وکیل نبوده و اگر اقدامات وکیسل منجر به رد

وکیل در حال دفاع از موکل در دادگاه

**کشاورز: در پرونده‌های کیفری که مجازات متهمان می‌تواند کیفرهای سنگین باشد، عدم استفاده آنها از خدمات وکیل مساوی تضییع حقوقی است که اصل سوم قانون اساسی به آنها داده است**

ادعای مطروحه شود این امر مانع مطالبه حقوق وکالتی نخواهد بود. ثانیاً وکالت عقدی جایز بوده و هر گاه وکیل و موکل بخواهند می‌توانند آن را فسخ کنند و تعیین مدت در عقد نیز آن را لازم نمی‌کنند، اثر مدت آن است که پس از خاتمه مدت دوره وکالت پایان پذیرفته و چنانچه وکیل بعد از آن اقدام به انجام امر وکالت نماید عمل وی «فضولی» محسوب می‌شود. طبق قانون مدنی وکالت در هفت مورد از جمله عزل موکل، به استغفای وکیل، به فوت وکیل یا موکل، به جنون وکیل یا موکل، به سفاهت وکیل یا موکل، به از بین رفتن مورد وکالت و انجام مورد وکالت توسط موکل پایان می‌پذیرد.

در مورد «وکالت بلاعزل» هم باید گفت، وقتی محقق می‌شود که وکیلی را نتوان از سمت وکالتش عزل کرد. این در حالی است که با توجه به جایز بودن عقد وکالت (چنان که ذکر شد) و نیز مستند به ماده ۶۷۹ قانون مدنی موکل می‌تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند اما در «وکالت بلاعزل»، مقصد وکالت اصلاًحاً در ضمن «عقد لازم» می‌شرط شده است که قابل عزل شدن نیست. این که «عقد لازم» چیست و «شرط» به چه نحو است بحثی تخصصی است که از حوصله این گزارش خارج است.

**۴**

**■ علی نجفی توانا** دیگر وکیل باسابقه در گفت‌وگو با «روزنامه جوان» اولین کنش رفع اختلافات حقوقی را حضور فرد متخصص (وکیل) می‌داند که هم کمک‌کننده به کار دستگاه قضا است و هم مراقب از کاهش می‌دهد. وی نوع طرح کردن یک اختلاف و بیان مستقل قانونی را بسیار مهم می‌داند و توضیح می‌دهد: وکیل دادگستری با استفاده از ظرفیت‌های قانون به شیوه ماهرانه دعاوا مطرح کند و این دعوائ مطرح شده به شیوه تخصصی باعث خواهد شد دستگاه قضا با وجود مدارک و مستندات ادعای شاکی راهپت درک کند. در مقابل مشتکی با استفاده از وکیل ادعای خود را در چارچوب قانون مطرح می‌سازد: در غیر این صورت شاید محق باشد اما نتواند ادعای خود را شخص مطرح کند. نجفی حضور وکیل را در دست مطرح کند. نجفی حضور وکیل را در گام اول موجب شفافیت در طرح دعوا توصیف می‌کند، و پایان اینکه ادعاهای معشوش از راه قانون عبور نخواهد کرد، می‌گوید: «بچه‌ها با طرفین با استفاده از وکیل بهتر حقوق خود را مطرح می‌کنند و سرعت دادرسی هم بالا می‌رود،

کمایبند که کشورهای مختلف دنیا حضور وکیل اجباری است. در نتیجه قاضی با دعوائی روبه‌رو می‌شود که حداقل استانداردها را ندارد! است و وکلا به قضات کمک می‌کنند تا بهتر بتوانند راه حل مسئله را پیدا کنند. کمک به اجرای عدالت قضایی دیگر حسن حضور وکیل در دعاوی است که نجفی توانا به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: وقتی قاضی با شفافیت قانونی مواجه شود، تصمیم عادلانه‌ای اتخاذ خواهد کرد و مردم نیز از دستگاه قضایی رضایت بیشتری خواهند داشت.

وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر چرایی انتخاب فردی قانونی برای متهمی که خود قانون‌رازیر با گذاشته‌است، توضیح می‌دهد: وکیل از موکل خود دفاع می‌کند که نجفی توانا با اشاره به موانع حضور وکلادر کشور، تصریح می‌کند: از آنجایی که «وکلا پول می‌گیرند تا حق را ناحب نکنند»، به «جوان» می‌گوید: این ادعای افرادی است که به دلیل ناشایی به مباحث وکالت مطرح می‌سازند اما وکیل از نشانه پول می‌گیرند تا حق را ناحب نکنند»، به «جوان» می‌گوید: این ادعای افرادی است که خود دفاع نمی‌کنند بلکه در چارچوب قانون از موکل خود دفاع می‌کند. نجفی توانا با اشاره به موانع حضور وکلادر کشور، تصریح می‌کند: از آنجایی که «وکلا کشور ما وکیل اجباری نیست! لذا فردی طرح دعوائی می‌کنند و همین منجر به محکومیت می‌شود که در برخی مواقع موجب تضییع رایز سیستم قضایی رقم می‌زند. وی همچنین تصریح‌ماده ۴۸ را تبییح در حق وکلا دست‌و در این باره خاطر نشان کرد: این قانون معیار تعیین نکرده موجب رانت شده‌است.

### پیش‌ش حقوقی

**■ اگر کارگر از کارفرما شکایتی داشته باشد باید ابتدا به کجا مراجعه کند؟**

در ماده ۱۵۷ قانون کار آمده است: کلیه اختلافات کارگر و کارفرما ناشی از اجرای مقررات این قانون و سایر مقررات کار، بدو اد ادارات کار و در هیئت‌های تشخیص و حل اختلاف رسیدگی می‌شود که اصولاً در این هیئت‌ها اصل بر سازش بوده و در صورتی که میان کارگر و کارفرما سازش حاصل شد، سازش‌نامه تحت عنوان یک گزارش اصلاحی در رأی لحاظ شده که اصولاً همان رأی محسوب می‌شود. اگر سازش حاصل نشد، به موجب مقررات قانون کار به پرونده رسیدگی و حکم صادر می‌شود.

**■ آیا کسانی که مشمول مشاغل سخت می‌باشند و باید ۲۰ سال کار کنند تا بازنشسته شوند می‌توانند از ۱۰ سال سابقه بیمه ارفاقی ایناثر گیری هم استفاده کنند و زودتر بازنشسته شوند؟**

هر فرد تنهایی می‌تواند از یکی از معافیت‌های بازنشستگی (سخت و زیان آور یا جانبازی) استفاده کند. فرد مورد نظر با توجه به سابقه‌های مشمول سخت و زیان آور و نیز درص جانبازی، می‌تواند یکی از معافیت‌ها را انتخاب کند.

سیدمحمد مهدی غمami\*

**سیدمحمد مهدی غمami\***

**حقوق شهروندی**

**حقوق شهروندی**

### لزوم اصلاح قانون حقوق شهروندی

«از زبانی قوانین» حلقه مفقوده نظام قانونگذار ی

اصول متعددی از جمله اصل ۱۵۶، ۶۱ و ۱۷۳، علاوه بر مقدمه قانون اساسی، قوه قضاییه را مکرر ملزم به پشتیبانی از حقوق فردی و احیای آزادی‌های فردی و عمومی مشروع می‌کند. این الزامات قانونی که خواسته عمومی مردم هم می‌باشند باید در ردیف سیاست‌های فوری قوه قضاییه قرار گیرد تا این باور برای شهروندان ایجاد شود که قوه قضاییه همان دستگاه عدالت و پشتیبان حقوق و آزادی‌ها است و خسارت آنها را از هر فر داعم از اینکه قاضی یا وزیر یا وکیل باشد می‌سازد.

مقام معظم رهبری در این خصوص در دیدار ششم تیرماه سال جاری تصریح می‌کنند: «یک نکته مهم این است که قوه قضاییه با این مسئولیت سنگین باید مظهر عدالت باشد، یعنی باید همه احساس کنند که اینجا عدالت هست، من یک وقتی در یکی از دیدارهای قبلی که در خدمت دوستان بودیم، گفتم قوه قضاییه باید به اینجا برسد که هر کس در هر نقطه‌ای از کشور دچار مظلمه‌ای شده، یک شکایتی پیدا کرد از کسی یا دستگاهی، خودش را نوید بدهد به اینکه می‌روم به قوه قضاییه مراجعه می‌کنم، یعنی خاطر جمع باشد که به مجرد اینکه به قوه قضاییه مراجعه کرد، مشکل حل خواهد شد؛ ما باید به اینجا برسیم؛ یعنی آنچه هدف است، این است؛ آقوه قضاییه مظهر عدالت باید باشد، خاطر مردم جمع باشد که در این قضیه که شما حق من را خوردی، تعرض کردی، تجاوز کردی یا کار خلاف کردی، خیلی خوب، می‌روم به قوه قضاییه مراجعه می‌کنم. اسودگی روحی آحاد مردم در این باشد که به قوه قضاییه ملتیجی بشوند و پناه ببرند.»

بر این مبنای کشور بدون قوه قضاییه و یا قوه قضاییه ضعیف، کشوری است با خشونت و تبعیض آشکار که روابط اجتماعی همواره به نفع قدرتمندان در سطوح مختلف رقم می‌خورد و عامه مردم در معرض فساد و تضییع حقوق قرار می‌گیرند. با توجه به اصرار قانون اساسی بر تحقق عدالت و احیای حقوق عدالت‌یابان، قوه باید در سیاست‌ها و برنامه‌های قضایی بازنگری فوری آنها را بروز دهد.

مقامات قضایی بر این اولویت که ورودی‌های قوه قضاییه باید کاهش پیدا کند اصرار دارند و آن را سه انجای مختلف بیسان و در قوانین مختلف- از جمله مواد ۱۱۳ و ۱۱۶ قانون برنامه پنچ‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران - و «لا یحیه قضا ذایی و حذف برخی عناوین مجرمانه از قوانین» و… گنجانده‌اند.

این سیاست که با عبارت «کاهش مراجعه مردم به مراجع قضایی»، «عدم امکان شکایت از برخی دعاوی و تظلمات به قوه قضاییه» و «هداشست قضایی» مطرح می‌شود، از طریق جرم‌دایی، قضا‌دایی، کاهش صلاحیت‌های قضایی و خارج کردن برخی از موضوعات از صلاحیت مراجع قضایی از جمله دیوان عدالت اداری دنبال می‌شود.

به نحو مشهودی این سیاست قضایی، ناظر بر مشکلات و مناصب مردم نیست، هر چند ممکن است در کنار برخی سیاست‌ها و تدابیر منجر به کاهش اطلاع دادرسی شود ولی مردم و قانون اساسی نمی‌خواهند که حمایت قوه قضاییه به جهت کم شدن فشار کاری، از مردم برداشته شود و نظام عدالت مایع مراجعه مردم به دستگاه قضا شود.

به صراحت اصل ۲۴ قانون اساسی «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی سه دادگاه‌های صالح رجوع کند. هم افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دار منع کرد.»

بر همین اساس اتخاذ سیاست‌های محدودکننده حق دادخواهی یا وضع قوانینی که قرار نیست هرگز اجرا شود (همانند ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات)، اجرای قانون اساسی و بایسته‌های شرعی مبنی بر پذیرش هرگونه نظم‌خواهی و مسئولیت‌پذیری (کل مکتی ضامن) را مختل می‌کند. عدم اهتمام به این سیاست وقتی روشن می‌شود که از یک سو قوه قضاییه با ارائه «لا یحیه احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» در سال ۱۳۸۲ نشان داد در کم قرون به ثوابی از مفهوم حقوق شهروندی و عامه ندارد و قانونی که پیشنهاد می‌کند غیر جامع، غیر مؤثر و فاقد هیچ ضمانت اجرایی برای برخورد با ناقضین است.

در ادامه در خصوص الزام قانونی ارائه «لا یحیه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی و حمایت از حريم خصوصی افراد» (ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم) هیچ اقدامی انجام نمی‌دهد.

بی‌توجهی به حقوق شهروندی موجب شد دولت یازدهم با قدرت تمام بر احیای این حقوق تحت عنوان «حقوق شهروندی» اصرار کرده و خود به تودین لایحه قضایی و احیای حقوق شهروندی و سپس مهیبه شورای عالی اداری در باب حقوق شهروندی را در سال ۱۳۹۵، رونمای و در ادامه اقدام به تشکیل «نهاده حقوق شهروندی» کند. در واقع هر چند مردم خواهان احیای حقوق شهروندی هستند ولی در عمل ظرفیت تلخ‌پذیری قوه محسوس نیست.

لازم بود رئیس قوه قضاییه با توجه به اختیار تقدیم لایحه قضایی موضوع اصل ۱۵۸ قانون اساسی، پس از دیدار رهبری، به قید فوریت در راستای ارتقا و بازنگری قانون مذکور اقدام می‌کرد. هرچند مدتی است دادستان کل نیز از تدوین لایحه قضایی و احیای حقوق شهروندی می‌دهد ولی این پیشنهاد منجر به قوانین موزای شده و در عمل به جهت عدم اسپشناسی الزامات تقنینی موجود، نمی‌توان انتظار تحول جدی داشت چراکه «زبانی قوانین» حلقه مفقوده نظام قانونگذاری به‌ویژه قوانین قضایی است.

**■ عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه امام صادق (ع)**